هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



۲۶ دلو یک روز عمدهٔ تاریخی در افغانستان است، باید این روز در ضمیر فرد فرد مردم افغانستان بخصوص نسل جوان زنده بماند.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم -سال سیزدهم - شمارهٔ ۴۲ ۲۵ دلو ۱۳۹۳ ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۶ 14 February 2015

سالگشت شکست شوروی سابق را گرامی می داریم







پیام رئیس جمعیت اسلامی افغانستان بمناسبت ۲۶ دلو، سالگشت خروج نیروهای شوروی از افغانستان

بیست و شش دلو در تاریخ کشور عزیز مان، روز نجات ملی است. روز به ثمرنشستن جهاد برحق مردم افغانستان در برابر یکی از پرقدرت ترین ارتش های دنیا که کسی تصور شکستش را هم نمی کرد. ارتش اتحاد جماهیر شوروی، آرزوهای کلانی را برای تسخیر دنیا و کامرانی این گیتی در سر پرورانیده بود و حتا در ذهن رقیبانش هم نمی گنجید که با مقاومت ملتی روبرو شود که در عالم اسباب و امکانات، دستش خالی است.

بیست و شش دلو، اگر یاد آور شیرین ترین پیروزی در تاریخ معاصر مردم مجاهد افغانستان باشد، تلخ ترین و سیاه ترین روز در تاریخ کمونیزم است؛ زیرا با شکست ارتش اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان، آخرین برگ مارکسیزم-لینینیزم ورق خورد و این کتاب سرخ خونین، بسته و به بایگانی تاریخ سپرده شد. امروز دنیا از وحشت کمونیزم، فقط در لابلای تاریخ می خواند و کابوس این هیولا، دیگر خواب را از چشمان کسی نمی دزدد.

پیروزی جهاد مردم افغانستان، در نتیجهٔ ایمان و اتحاد مردم این سرزمین بود. به همین دلیل، تا هنگامی که مشعل ایمان و خدا باوری در قلب و ذهن مردم این سرزمین روشن باشد، و بر ضرورت اتحاد و همبستگی به عنوان یک اصل اسلامی باور داشته باشند، این قلعهٔ اسلام و قلب آسیا، تسخیر ناپذیر باقی خواهد ماند.

جهاد مردم افغانستان، ترس در ذهن ملت هایی را که نزدیک به یک قرن، زیر پرچم وحشت امپراطوری شوروی زندگی فلاکت باری داشتند، شکست و باور به آزادی را در ذهن آن ها زنده ساخت.

ص۲

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیئت تحریر

آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه — عقب تلویزیون نور.

شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲

سرمقاله

خجسته باد پیروزی!

۲۶ دلو مصادف است با سالروز خروج و شکست کامل ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی وقت از افغانستان. عمده ترین پیامدهای خروج این تجاوز، فروپاشی این ابر قدرت زمان، آزادی ملت های اسیر زیر سلطهٔ شوروی در کشورهای اروپایی و آسیایی و همچنان نجات افغانستان و جهان از شر کمونیزم بود.

اتحاد جماهیر شوروی وقت که به تاریخ ۶ جدی ۱۳۵۸ به فکر اشغال به کشورما حمله ور شده بود، سرانجام بتاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ هـ.خ به شکست مواجه شد. شکست پرقدرت ترین کشور جهان، مرهون ایثار و فداکاری شهروندان افغانستان و حمایت جامعهٔ جهانی است. ملت بزرگ افغانستان، چه آنانی که عملاً در صحنهٔ کارزار جهاد و مقاومت قرار داشتند، چه آنانی که در خارج و داخل کشور (درعقب جبهه) در عرصه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی فعالیت نمودند، چه آنانی که دارایی و دیار شان را ترک گفته، راهی دیار هجرت در داخل و خارج کشور گردیدند، این ها همه دست به دست هم داده، متحدانه و آگاهانه، هریک در سرنگونی متجاوزین سهم بسزایی را ایفاء کردند که به کمک خداوند، جهاد مردم مسلمان افغانستان به پیروزی نایل آمد.

مجاهدین این فرزندان صادق میهن، در دوران جهاد و مقاومت شایستگی های در خور وصف و افتخار آفرینی از خود نشان دادند. همین ها بودند که توانستند با نیروی ایمان و ایثار و فداکاری بی دریغ شان اتحاد شوروی سابق را از پا در آوردند و با اختاپوت تروریزم دست و پنجه نرم کردند. دوران جهاد مقدس مردم ما صفحهٔ زرینی از تاریخ مبارزات شکوهمند ملت ما و جهان اسلام محسوب می گردد.

آزادی ودیعهٔ الهی است که آن را باید پاس داشت. ملت هایی که اسارت و بردگی و زیر بار رفتن دیگران را ننگ می دانند، در برابر نابرابری ها و ظلم و استبداد و بربریت و سیطره جویی قیام می کنند، دست به مبارزه می زنند، تا سرحد دادن جان شان تلاش به خرچ می دهند تا پاسبان و حافظ خاک و دین و ناموس و ارزش های شان باشند.

هرکشور و مردمی که ثمرهٔ تلخ تجاوز و جنگ را می چشند، با دستیابی به موفقیت و پیروزی، روز غلبه بر دشمن را یک روز تاریخی عنوان می کنند، گرامی می دارند، شجاعت و ایثارگری قهرمانان دفاع از حریم کشور را در خاطره ها زنده نگه می دارند و تجاوز دشمنان را نکوهش می کنند که درست با زنده نگه داشتن مبارزه و مقاومت شان، از یک طرف حس وطندوستی و بیگانه ستیزی شهروندان تقویه می گردد و از جانبی هشیار باش به نسل های بعدیست تا در برابر دشمن محتاط باشند و در برابر حوادث، از نیاکان شان پند بگیرند. اما در کشورما روی هر علت و انگیزهٔ، از روزهای تاریخی و ملی، تجلیل کمرنگ بعمل می آید، به جانبازان و آسیب دیدگان دوره های افتخار آفرین -جهاد و مقاومت- توجه صورت نمی گیرد، که ادامهٔ چنین بی توجهی، در درازمدت اثر منفی بالای نسل های جوان امروز و فردای کشور خواهد گذاشت. این دستاوردهای بزرگ که با شهادت و جانبازی میلیون ها شهروند افغانستان بدست آمده است، حفظ و پاسداری آن مسوولیت مشترک همه است. این "پیروزی اراده بر شمشیر"، به ملت مسلمان و همیشه در صحنهٔ افغانستان، مبارک باد.

به تقریب زاد روز پیروزی اراده بر شمشیر

■ پوهنمل سید عنایت الله شاداب

میهن اسلامی ما زادگاه حماسه ها و قهرمانی های فراوانی بوده و هر ورق تاریخ آن، درس های ماندگاری ست برای نسل های این سرزمین اعجوبه ها و ملت های که برای بقا و حیات خویش آمادهٔ قربانی ها و فداکاری ها بوده و در راه زندگی با عزت و سرفرازی می رزمند و جان می دهند.

ملت های زنده در درازنای تاریخ، ملت های اند که در برابر حوادث و تحولات و واقعات زندگی خاموش و حالت انفعالی نداشته و در برابر هر حادثه و تحولی – چه مثبت و چه منفی – موضع متناسب به آن را اتخاذ می کنند. در برابر تحولات مثبت و ایجابی به حیث نیروهای فعال و نقش آفرین، در رشد و باروری آن سهم می گیرند و در برابر حوادث منفی که قدرت های زورگو و تزویر اندیش در پیوند به تعیین سرنوشت ملت ها برنامه می ریزند، قد علم کرده و کمر مبارزه و مقاومت را بسته می کنند.

جهاد و مقاومت راستین فرزندان مسلمان این سرزمین به رهبری نهضت اسلامی افغا نستان، در برابر تجاوز عریان اتحاد شوروی وقت، و خروج ذلیلانهٔ قوای متجاوز ارتش سرخ از این کشور را که زاده مقاومت جانبازانهٔ رادمردان سر به کف این مرزوبوم بود می توان در همین مقیاس به خوانش گرفت.

حماسه و افتخاری که نه تنها مردم این سرزمین را از زنجیرهای اسارت و ذلت رهایی بخشید که طلوع سپیده دم پیروزی این حماسه قرن، همه ظلمت آبادهای زور و تزویر قدرت های دوران جنگ سرد را با چراغ های روشن از خون های رادمردان این مرزوبوم، راه آزادی ملت های دربند را روشن و خارها را از مسیر آنان دور کرد.

اما در برابر پیروزی این ملت برهنه پا و کرباس پوش این کشور، قدرت های دوران جهان دو قطبی در دو چهرهٔ سرخ و سیاه با فروپاشی اتحاد شوروی در یک چهره، تبارز کرده و آب از گلوی یکدیگر نوشیدند . خطر بنیاد گرایی اسلامی و جنگ تمدن ها و پایان تاریخ را عنوان کردند و طرح نوی را برضد جنبش های اسلامی در راس نهضت اسلامی افغانستان – که جهاد مسلحانه در برابر تجاوز شوروی را رهبری می کرد- در انداختند.

البته این گونه موضعگیری ابرقدرت ها در ایجاد موانع در راه برقراری حکومت مجاهدین زادهٔ عواملی است که مختصر به آن ها اشاره می شود:

۱- برقراری حکومت مجاهدین زمانی صورت می گیرد که نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری آیت الله خمینی بر اریکهٔ دولتمداری نشسته و شعار (نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی) را طنین انداز کرد.

۲-تشکیل دولت اسلامی افغانستان در پهلوی جمهوری اسلامی ایران، با نفوذی که این دولت نوپا در کشورهای مسلمان تازه به استقلال رسیدهٔ آسیای میانه، از نگاه مشترکات فرهنگی و مذهبی که داشت، از نظر این قدرت ها خواستگاه خطری بود که منافع این قدرت ها را در منطقه تهدید می کرد.

۳- همسایه های آزمند هم به گونهٔ مستقیم و غیر مستقیم در ناکامی دولت مجاهدین و به بحران کشانیدن آن، از عوامل خویش با استفاده از تنوع قومی و زبانی و مذهبی و ایدیولوژیکی وحدت ملی در این کشور، را به چالش گرفته و بحران آفرینی کردند.

۴- نقاط ضعف بازیگران حکومت مجا هدین را هم نباید نادیده گرفت ولی با وصف آن حکومت مجاهدین به رهبری شهید استاد ربانی و فرماندهی شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی، تلاش های مجدانه به خرچ دادند تا با طرف های نزاع که بیشتر از ماورای مرزها تغذیه می شدند، دروازهٔ گفتگو و سازش را باز نمایند، و در مناطق مختلف با آنان وارد گفتگو شدند و در اثر همین تلاش ها بود که حزب اسلامی به رهبری آقای حکمتیار که در دوران حکومت مجاهدین در سنگر یک جنگ نیابتی از ماورای مرز در برابر حکومت مجاهدین قرار داشت، وارد کابل گردید.

دراین زمان است که حرکت طالبان توسط قدرت های منطقوی و غربی بیش تر از پیش تقویه و تغذیه شدند.

با وقوع حادثهٔ یازدهٔ سپتمبر، این بازی به اصطلاح منافع ملی دولت های آزمند، شکل دیگری به خود می گیرد و قدرت های غربی به مجاهدین رو می آورند، و در اثر همکاری فعال مجاهدین عوامل مسلح استخباراتی منطقه از بین می روند و حالت جدیدی در تاریخ این کشور رقم می خورد، تحولی که اساساً برای زدودن نقش مجاهدین در نظام سیاسی افغانستان طرح ریزی گردیده بود. هوشیاری مجاهدین و مقاومت آنها به رهبری رهبر جهاد و مقاومت باعث بران شد که بار دیگر مجاهدین مطرح گردند و توطیه ها ناکام گردد.

اکنون که در سال روز افتخار اخراج قوای روسی از افغانستان قرار داریم، مجاهدین در برابر چندین چالش قرار دارند.

فقدان رهبران مدبر و غیور جهاد و مقاومت و ناخدای این کشتی طوفانی در امواج دسایس عوامل دشمنان سربلندی مجاهدین از یک طرف، اختلافات گروه های جهادی و تطمیع تعدادی از آنان با لطایف الحیل از طرف قدرت های ذی دخل در قضایای افغانستان از جانب دیگر، باعث برآن شده است که تشتت و پراگندگی در میان مجاهدین رونما گردد، و نکتهٔ سومی و مهم تر از همه این که نسل جوان ما که آینده سازان این کشور اند نسبت به این افتخارات نا آشنا بوده و روز تا روز از قربانی های نیاکان خویش دور می شوند و نهادهای مختلف در سطوح گوناگون تحت عناوین مختلف تغذیه و تطمیع می شوند تا این همه حماسه های تاریخی را به چالش گیرند و چهرهٔ جهاد و مجاهدین و هویت تاریخی این سرزمین را به چالش کشانیده و آنرا مخدوش جلوه دهند.

حرفی اخیر هم اینکه، نسل دوم جهاد مسوولیت دارند که در پاس داری از اندیشهٔ جهاد رهایی بخش این ملت و میهن برنامه ریزی نمایند و از بستر موجود و مناسب در راه دفاع از هویت تاریخی این سرزمین استفادهٔ بهینه نمایند. و نگذارند که تند باد های منافع قدرت های بیگانه کشت زار آبیاری شده توسط خون های پاک فرزندان این مرزوبوم در معرض نابودی قرار گیرند.

ملت مجاهد افغانستان در حالیکه از این روز بزرگ تاریخی یعنی شکست قوه های متجاوز شوروی و خروج سرافگنانهٔ آنها از این سرزمین را تجلیل و بزرگداشت می نمایند، مکلفیت دارند که برای آینده افتخارات خود و پاسداری از آنها برنامه ای داشته باشند.

درود و تحیات بی پایان بر روان همه شهداء، بخصوص شهدای دوره های جهاد، مقاومت و مبارزه علیه تروریزم.

پیام رئیس جمعیت اسلامی أفغانستان...

شکست اتحاد جماهیر شوروی، تنها شکست نظامی نبود، بلکه شکست ایدیولوژیک نیز بود و ایدیولوژی "مارکسیزم-لینینیزم" با مبانی غیر واقعی اش، به تاریخ اندیشه های سیاسی پیوست و اکنون تنها به عنوان یک نظریهٔ نشیانه و خام، در حوزهٔ اندیشه های سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بس.

مردم افغانستان با شکست دادن کمونیزم، خدمت بزرگی برای صلح و امنیت جهانی کردند، اما دنیا پس از پیروزی جهاد، از مردم افغانستان در جهت نوسازی و بازسازی کشور ویران شدهٔ شان حمایت نکردند و بدین ترتیب این کشور، دچار جنگ با تروریزم شد که تا اکنون نیز از آن رها نیافته است.

باور دارم که نسل نو افغانستان، با آموختن از تجربه های گذشته و با قامت بلند، کشور را به سمت پیشرفت و ترقی سوق خواهد داد و افغانستان فردا، از میان آوارهای جنگ های تحمیلی، یک افغانستان آزاد، آباد و پیشرفته خواهد بود.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان



خروج روس از افغانستان

وحید مژده

در ۱۵ فبروری سال ۱۹۸۹ آخرین گروه از سربازان ارتش سرخ خاک افغانستان را از طریق پُل حیرتان ترک کردند و به این ترتیب جنگ افغانستان که خود روس ها آنرا "زخم خونین" خوانده بودند، به پایان رسید. این جنگ برای روس ها به پایان رسید اما برای افغان ها آغاز یک جنگ خونین دیگر بود که تا سال ها بعد از خروج بوریس گراموف آخرین سرباز شوروی سابق از افغانستان، همچنان ادامه دارد.

از آن روز، ۲۶ سال گذشت و در این ۲۶ سال جهان شاهد تحولات شگرف بود. اتحاد شوروی فرو پاشید و پانزده جمهوری از پیکر بی رمق آن جدا گردید.

در میان افغان ها اکثریت به این باور اند که فروپاشی اتحاد شوروی نتیجهٔ جهاد مردم افغانستان و شکست روس ها در این جنگ بود. حتی اگر این ادعا را مبالغه آمیز هم بدانیم اما در این شکی نیست که جنگ شوروی در افغانستان لااقل یکی از عوامل فروپاشی این ابرقدرت بود.

در این جنگ حدود یک و نیم میلیون نفر از مردم افغانستان جان باختند، تعداد بیشتری مجروح و میلیون ها تن نیز مجبور ترک کشور گردیدند. جنگ اتحاد شوروی در افغانستان حدود ده سال بطول انجامید و اتحاد شوروی نیز در این جنگ بهای سنگینی پرداخت.

در افغانستان بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ به تعداد ۱۴۴۵۳ نفر نظامی شوروی در افغانستان جان باخت که از جمله ۹۵۱۱ نفر در نبردها و ۲۳۸۶ نفر به اثر جراحات مردند یا خودکُشی کردند و یا به اثر بیماری ها از بین رفتند. در طول جنگ در افغانستان به تعداد ۴۱۷ نظامی شوروی مفقود الاثر و یا اسیر شدند. ۱۱۹ سرباز و افسر از اسارت آزاد شدند، و ۲۲ نفر در کشورهای دیگر مسکن گزین گردیدند.

جنگ پدیدهٔ مصیبت بار است اما برای افغان ها دردناک تر از خود این جنگ، پایان جنگ بود که حاصل خون ها و قربانی های یک ملت در میدان نبرد، در اثر اشتباهات برخی رهبران مجاهدین بی نتیجه ماند.

شاید در مورد دست آورد مردم افغانستان در جنگ با ارتش سرخ بتوان به شکست نیروهای تجاوزگر اشاره کرد. خیلی از افغان ها به این باور اند که فروپاشی اتحاد شوروی نتیجهٔ قربانی های آنان بود که حتی مردم روسیه را نیز از شر یک نظام خودکامه نجات بخشید اما حضور نیروهای بیش از پنجاه کشور در افغانستان بعد از یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ این سوال را مطرح می سازد که آیا افغان ها قربانی نبرد آزادیبخش بخاطر آزادی دیگران نشدند؟

وقتی ابرقدرتی به کشوری هجوم می آورد و آنرا اشغال می کند اما با مقاومت مواجه می شود و از شکست مقاومت عاجز می ماند، این عجز هیچ تعبیر رسائی جز تن به شکست سپردن ندارد. اما سوال اصلی در اینجاست که آیا افغانها واقعاً در این جنگ به معنای واقعی افتخار پیروز شدن را بدست آوردند؟

نتیجهٔ جنگ داخلی به ما آموخته است که پیروزی در جنگ فقط با راندن دشمن تجاوزگر از کشور بدست نمی آید بلکه، زمانی می توان از پیروزی سخن گفت که خروج نیروهای بیگانه از کشور، به صلح و تفاهم میان افغان ها بیانجامد و زمینهٔ زندگی با عزت برای ملت فراهم آید. اما آیا از آن تجربهٔ ناکام درس لازم را آموخته ایم؟

*

در پایان سال ۲۰۱۴ بخش اعظم از نیروهای خارجی افغانستان را ترک گفتند و قرار است باقی مانده نیز در پایان سال ۲۰۱۶ کشور ما را ترک گویند. امریکا از همین اکنون جنگ افغانستان را برای خود خاتمه یافته تلقی کرده است. در چنین شرایط تدبیر و عقل ایجاب می نماید که از تکرار تجربهٔ ناکام تلاش برای رسیدن به قدرت از راه جنگ جلوگیری گردد. و این کار فقط از راه مذاکره و تفاهم بین الافغانی ممکن و میسر است.



یادی از امیر علی شیر نوایی

آنچه می خوانید، گزارش از همایش بین المللی اندیشه، آثار و خدمات امیر علی شیرنوایی می باشد که هفتهٔ گذشته، در دانشگاه فردوسی در شهر مشهد جمهوری اسلامی ایران برگزار شده بود. نمایندگان افغانستان درهمایش حضورداشتند که پوهنوال عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل در ترکیب این هیئت شامل بود. این گزارش را موصوف به مجاهد فرستاده است.

به تاریخ (۱۸ــ۲۰ دلو) سال جاری، دوازده کشور منطقه و جهان در دانشگاه فردوسی مشهد، گرد آمدند و پیرامون جوانب مختلف حیات سیاسی و ادبی امیرعلی شیرنوایی این شخصیت چند بعدی به کنکاش پرداختند. امیر علی شیر، پسر امیر غیاث الدین (کجکینه) در سال ۸۴۴ ق (۱۴۴۱م) در موضع باغ دولتخانه نزدیک پُل تولکی در حومهٔ شمال شرقی شهر هرات به دنیا آمد و به سال ۹۰۶ ق (۱۵۰۱م) در هرات در گذشت.





نوایی شاعر دو زبانه، منتقد اجتماعی، مترجم، تذکره نویس، عارف، سیاست مدار (وزیر و مشاور سلطان حسین بایقراء و بانی مراکز خیریهٔ فراوان) در خراسان و ماوراءلنهر بوده است. امیر شیر علی نوایی به نام شاعر ذو للسانین شهرت داشت. او به فارسی فانی تخلص می نمود و به چغتایی نوابی، او به نوایی بیشتر شهرت دارد تا فانی. امیرعلی شیر نوایی جایگایی والایی در ادبیات فارسی و ترکی چغتایی دارد، حتا او را فردوسی ترکی خوانده اند. نوایی در غزل سرایی، تذکره نویسی و زمینه های مختلف ادبیات فارسی و ترکی قلم زده است. اهمیت امیرعلی شیر نوایی در جامعیت اوست، که فرا منطقه یی کار کرده است و خدمات او شهر ها و کشور های مختلف را تحت پوشش قرار می دهد، به شکلی که هم اکنون کشور های افغانستان، ایران، ازبیکستان و تاجیکستان هر کدام حق دارند، که او را از آن خود بدانند.

این شخصیت چند بعدی در واقع حلقهٔ اتصال میان فارسی زبانان کشور های مختلف منطقه است. امیرعلی شیر نوایی در هرات متولد شد، در هرات درس گفت، در هرات در گذشت و در هرات به خاک سپرده شد. از این جهت کشور افغانستان او را از آن خود می داند. امیرعلی شیر نوایی همچنان سال های از عمرش را در سمرقند درس خواند و کار کرد. او همچنان مدتی در تاشکند و بخارا بود و ادبیات ترکی ازبیکی (چغتایی) را پایه گذاری کرد و در کتاب معروف (محاکمه اللغتین) که در آن مقایسه یی بین زبان فارسی و زبان ترکی انجام داد، با افراط گفته است که ترکی بر فارسی مقدم است، بنا بر این ازبیک ها امیر علی شیر را از آن خود می دانند. جایگایی امیرعلی شیر نوایی در ازبیکستان بسیار والا است؛ طوریکه او را بنیانگذار هویت ملی ازبیکستان و قائمهٔ ملیت ازبیکی می دانند. به قول دکتور یاحقی، در حقیقت نوایی فردوسی ادبیات ترکی چغتایی است. نوایی مؤسس مکتب هرات است که در آن شخصیت های مهم ادبی، هنری، فرهنگی، نقاشان و خوش نویسان را دور هم جمع نمود و برای شان مستمری در نظر می گرفت. امیرعلی شیر نوایی تنها شاعر نیست؛ بلکه شخصیت هنری، فرهنگی و تاریخی بوده است، که خدمات او تا همین امروز در منطقهٔ خراسان کهن؛ مانند مشهد، هرات و بلخ وجود دارد. در این همایش بر تحکیم روابط میان کشور های افغانستان، ایران، تاجیکستان و ازبیکستان صورت گرفت. نوایی و امثال آن می توانند نقطهٔ وصل این ارتباط بوده باشند.

نوایی از چهره های محبوب و مشترک میان کشورهای ایران، افغانستان و آسیای میانه است. نوایی علاوه بر حمایت های مادی و معنوی از شاعران، نقاشان، معماران، خطاطان، موسقی دانان و .... در مقام یک وزیر فرهنگ دوست و مردم دار، منزل شخصی اش را به عنوان محل برای اجتماع هنرمندان عرصه های مختلف قرار داد و در محافل خود میزبان شاعران و هنرمندان بزرگی همچون: عبدالرحمان جامی، کمال الدین بهزاد و غیره بود. نوایی همدرس سلطان حسین بایقراء بود. وقتی وی در هرات به سلطنت نشست وی را از سمرقند فرا خواند و منصب مهرداری خود را به وی واگذار کرد و اندکی پس از آن امر صدارت را نیز به او داد. امیر علی شیر با وجود این مشاغل از مطالعات علمی و تالیفات مختلف دست بر نداشت و مجلس او مجمع علماء و فضلاء آن روزگار بود. وی پس از مدتی از امور دولتی خود را سبک دوش کرد و با عبدالرحمان جامی مصاحب شد و درویشی را بر همه امور ترجیح داد و در سلک نقشبندیه قرار گرفت و از مریدان جامی خود را منسوب نمود. نوایی با عمل موسیقی آشنایی زیادی داشته است، که موسیقی را بر اساس صدای پرنده گان تصنیف می نمود.

در این سیمینار گفته شد که قطعات موسیقی نوایی در بین ترکمن های ایرانی و ازبیک های فرغانه و خوارزم و شمال قفقاز و استانبول هم اکنون رواج دارد. آهنگ گلزار که یکی از کامل ترین آهنگ های ترکمن ها است، ساختهٔ امیرعلی شیر نوایی می باشد. خمسهٔ نوایی که به تقلید از خمسهٔ نظامی به زبان ترکی چغتایی سروده شده است و خمسهٔ المتحرین، رساله یی به زبان ترکی است، که در آن شرح حال عبدالرحمان جامی آمده است و از جمله آثار مشهور نوایی مجالس النفایس است، که به ترکی نوشته شده و شامل شرح حال نزدیک به ۳۵۰ تن از بزرگان و شاعران معاصر وی می باشد.

در فرجام باید گفت، قرن نهم هجری یکی از برجسته ترین ادوار تاریخ خراسان و شهر هرات حلقهٔ وصل، انتقال علوم و ادب در کشورهای خاورمیانه، فلات ایران و هند است. در این قرن هرات از نظر رشد و توسعهٔ فرهنگی با دورهٔ رنسانس اروپا همسری و برابری داشته است. نوایی نهضت عظیم فرهنگی، هنری و دینی را در این دوره مدیریت می کرد. به یمن همت سلطان حسین بایقراء و نوایی بعد از خرابه های مغول حوزهٔ قلمروی آل تیمور به مرکز تمدن و فرهنگ در آسیا تبدیل گردید. این شاه و وزیر بستر رنسانس در افغانستان را هموار ساختند. وقتی نام از نوایی برده می شود، برنامه های تربیتی، آموزشی و دینی آن در افکار تداعی می شود. ارج گذاری به مقام نوایی در حقیقت بازگشت به وجدان تاریخی ما است.

در این همایش شخصیت های مهم از کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، هند، ازبیکستان، ترکمنستان، آذربایجان شرقی و غربی حضور به هم رسانده بودند و بر محورهای مشترک این کشورها تاکید صورت گرفت و در قطعنامهٔ این همایش بر گردهمایی های سالانهٔ این شخصیت، در کشورهای ایران، افغانستان و آسیای میانه تاکید صورت گرفت و باور این دانشمندان بر این بود تا در این کشورها یک محل و مکان پژوهشی و علمی به نام این شخصیت چند بعدی نام گذاری گردد.

در این همایش چهره های بزرگ علمی و نهادهای مختلف پژوهشی و فرهنگی از کشورهای مختلف منطقه سهم داشتند که بر عظمت این همایش می افزود. گذشته از این موارد، رباط ها، کاروان سراها و اماکن زیاد به وسیلهٔ این شخصیت فعلاً در قلمرو های افغانستان، ایران و آسیای میانه وجود دارد که در این سیمینار چند رباط و کاروان سرا در طوس و مشهد که به وسیلهٔ نوایی ساخته شده است، اعضای همایش از آن دیدن نمودند و این آثار و بناء های تاریخی جزء آثار فرهنگی کشور ایران می باشد.

روش های مطالعه مفید



تمرکز مطالعه

دکتر خادمی در کتاب "مطالعهٔ روشمند"، نکاتی را برای ایجاد تمرکز حواس لازم می‌داند که عبارتند از:

۱. علاقه به موضوع مورد مطالعه، یکی از علل مهم ایجاد تمرکز و دقت در حین مطالعه است.

۲. هماهنگی اراده و تخیل نیز در این رابطه کارساز است؛ به عبارت دیگر، چشمان فرد بر صفحهٔ کتاب و افکارش در حال پرواز به دور دست ها نباشد.

۳. برخی مسائل جسمی و روحی نیز می‌توانند تمرکز فرد را بر هم بزنند؛ مانند گرسنگی، تشنگی، بیماری، نگرانی و اضطراب.

۴. برخی مسائل محیطی نیز از عوامل برهم زنندهٔ تمرکزند؛ مانند سروصدای زیاد، نور زیاد یا کم، لباس نامناسب و... .

آقای حقجو در کتاب "روش های تسریع در خواندن و درک"، چند نکتهٔ مهم دیگر را نیز بر این فهرست می‌افزاید که عبارتند از:

۵. یکی از مهم‌ترین عوامل بر هم خوردن تمرکز، عجله و شتاب است. این حالت، سطح مطالعه را کاهش می‌دهد و تمرکز را بر هم می زند.

۶. یکی از مسائل قابل توجهٔ دیگر، سنگینی معده (سیری) بیش از حد است و به قول حضرت رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم، »پری معده و سیری زیاد، به وجود آورندهٔ حماقت است .«این، همان خواندن و نفهمیدن و به عبارتی، عدم تمرکز و عدم ارتباط، با مفهوم کتاب است.

۷. انتخاب زمان مناسب، از عوامل ایجاد تمرکز است؛ مثلاً پس از استراحت، خصوصاً در صبحگاهان، بهترین حالت تمرکز و ساعات خستگی و کسالت، نامناسب ترین اوقات، برای تمرکزند؛ البته در صبحگاهان، لازم است قدری ورزش کنید تا بدن آمادگی لازم را به دست آورد.

۸. نظم و انضباط در نوع، ساعت و مکان مطالعه، همگی از عوامل ایجاد کنندهٔ تمرکز می باشند.

سرعت مطالعه

۱. دکتر فیل ریس پیشنهاد می‌کند که اگر قصد دارید سرعت مطالعه را افزایش دهید، حتماً ابتدا به فهرست کتاب نظری دقیق بیندازید تا نسبت به موضوعات کلی کتاب آگاهی پیدا کنید.

۲. تند خوانی، همیشه مناسب نیست و در مطالبی که به تعمق و تأمل نیاز دارد، اصلاً نباید به کار گرفته شود.

۳. مغز ما همیشه تندتر از بیان ما کلمات را دریافت می‌کند؛ برای افزایش سرعت، سعی کنید عادت بلند خوانی کتاب را ترک کنید.

۴. تمرین کنید تا به جای درک لغت به لغت یک جمله، به درک گروهی لغات عادت کنید.

۵. به نظر نویسندهٔ کتاب "تسریع در خواندن و درک"، یکی از عوامل کندخوانی، برگشت است؛ یعنی آن که فرد مرتب نگاه خود را به خطوط پیشین بر گرداند. این کار، تمرکز فرد را از میان می برد و وقت زیادی را تلف می‌کند. هنگام مطالعه، چشم باید به طور مستقیم و به موازات صفحه حرکت کند و از پریدن به سطرهای بالا و پایین، دوری جوید.

۶. کسانی که با انگشت خط مورد مطالعه را دنبال می‌کنند، باید این عادت را ترک کنند؛ زیرا در تند خوانی، فقط چشم کار می‌کند، نه دست و زبان.

۷. نویسندهٔ کتاب "مطالعه روشمند«، بر این باور است که حتی تکان دادن سر هنگام مطالعه، از سرعت مطالعه می‌کاهد؛ پس بهتر است که این گونه بگوییم: در تند خوانی، فقط چشم کار می‌کند؛ نه دست، نه زبان و نه سر. برای دیدن همه صفحهٔ کتاب، اصلاً به حرکت سر نیازی نیست؛ صفحه، خود در دامنهٔ بینایی قرار دارد.

۸. وی از مشکل دیگری به نام "خالی خوان" نام می‌برد که عبارتست از: سرگردانی چشم در حاشیهٔ سفید کتاب یا لابه لای خطوط و یا هر قسمت غیر مفید صفحه. این حالت را دیدن غیر مفید نیز می‌گویند و موجب کاهش سرعت مطالعه می‌شود.

۹. حتی نوع ورق زدن نیز به صرفه جویی در وقت کمک می‌کند. ورق زدن درست آن است که با دست چپ و از گوشهٔ بالایی صفحه صورت گیرد و چند لحظه قبل از پایان صفحه، دست برای ورق زدن آماده باشد. کسانی که با دست راست و از گوشهٔ پایینی صفحه ورق می زنند، از سرعت و تمرکز خود می‌کاهند.

به مناسبت سالگرد خروج ارتش سرخ از کشور

سلامنامه یی بر حارسانِ مرز دین و پاسدارانِ دیار



عبدالقیوم ملکزاد

سلام بر آن رزم آوران فداکاری که با سلاح ایمان، بزرگترین نیروی شیطانی جهان را از پای درآوردند.

قدرتی که آخرین سلاح ها و زراد خانه های پیشرفتهٔ خود را، با پشتیبانیِ هوا پیما ها و بالگردهای جنگی اش برضد یک ملت تهیدست به کار انداخت، اما در برابر ارادهٔ قوی این ملت، با فضیحت تمام به شکست مواجه شد.

سلام برآن حافظان دین و سپاهیان راستین و پاسداران مرزهای آزادی، که سکهٔ افتخار فتح و پیروزی بزرگ، به نام آنها ضرب خورد.

سلام برآنهایی که از وجب وجب این خاک تر به خون شجاعانه دفاع کردند و در هرگام و هر بام و هر شام برگوش های خسته، آهنگ دلنواز رهیدگی نواختند و بر هر کوی و برزن این میهن حماسه های بی نظیر آفریدند.

سلام برآن عاشقان دین و برآن حامیان مرز عزت و شرف و فخر و آزادی!

سلام برآن مجاهد پاکباز و عزیزی که به خاطر حراست از ارزش های اسلامی، استقلال، آزادی و حفظ ناموس وطن و مردم و تمامیت ارضی کشور، عاشقانه رزمید و از دادن هیچ نوع قربانی و قبول ایثار و فداکاری دراین راه مضایقه نکرد!

سلام برآن سپاه عزیز اسلام، که:

سنگ سنگ این کهسار لوح احترام "اوست"
خار خار این صحرا شاهد قیام "اوست"
نوربخش این میدان تیغ بی نیام "اوست"
سکهٔ شرف تا حشر مفتخر به نام"اوست"
جلوه گاه مردان است خاک غیرت ا نگیز"ش"
بوسه گاه شیران است خنجر شرر خیز"ش"

(شاد روان استاد خلیلی با اندک تصرف که در داخل گیومه قرار داده شده)

❋

به گونه یی که مستحضریم، داستان حزن انگیز اشغال این خطهٔ گرامی به وسیلهٔ ارتش سرخ و قصهٔ حماسه آفرینی های مردم جهاد پیشه، شجاع و قهرمان پرور کشور، دراز دامن است؛ اما ما دراین مقال در صدد خواهیم شد تا به بهانهٔ بیست و ششمین سالگرد هزیمت و فرار ذلتبار ارتش سرخ ازاین دیار، از بوستان شمیم آگین افتخارات این ملت سرافراز، دسته گلی برچینیم و از بوی روان پرور آن، مشام خویش را بیاگنیم.

سحرگاه ششم جدی سال ۱۳۵۸ بود که "لئونید برژنیف" به سپاه چهلم ارتش کشور خود فرمان صادر کرد تا از چندین استقامت (بندرحیرتان، بندرشیرخان، بندر تورغوندی و مسیر اشکاشم) به سرزمین ما تهاجم برند و آن را به اشغال خود درآورده و راه را برای رسیدن به آب های گرم هموار سازند!

همان گونه که استاد سخن مرحوم خلیل الله خلیلی از نیت شوم و پلید کرملین نشینان در آن روزگار اینگونه پرده برداشته بود:

برآن سراست ابرقدرت خدا نا شناس
که زیر پرچم وی خم شود جهان به تمام
چنان کند که زخدمتگران دیر و حرم
نماند آنکه زدین خدای گیرد نام
زمین بماند و جمعیتی خدا نشناس
جهان بماند و مشتی سفیه کالانعام.

یورش ارتش سرخ در سرزمین ما سبب شد جهاد مقدس ملت سلحشورما- که با حاکمیت سران کمونیسم در هفتم ثور۱۳۵۷ وارد مرحلهٔ آغازین خود شده بود- تشدیدی جدی و روز افزون یابد و تقریباً همه کوه و دشت و درهٔ کشور، به سنگر مستحکم و دژ پولادینی برضد خدا ناشناسان و اشغالگران تبدیل گردد.

در وحله های نخست اشغال وطن به وسیلهٔ اهریمن، این دشمن آزادی و عفریت خونخوار زمن، پندارهای ارباب سفسطه و اندیشه های بیگانه از ایمان، استوار برآن بود که رزمیدن در برابر قدرت تا دندان مسلح پکت وارسا، عبثی بیش نیست! اما مجاهدان سلحشور:

" این سپاه بی سلاح برهنه پای دلیر
این شهان بی کُله، فرماندهان بی سریر
جنگجویان دلاور، مادران شیرگیر
نوجوانان وطن، این قوم ذلت ناپذیر"،

علی الرغم تصور واهی این رعشه برتنان، چنان از خود داد شهامت و مردانگی دادند که چشم جهان به حیرت افتاد و به سرعت دانسته شد که دفتر هستی کمتر چنین جانبازی ها و دشمن شکنی ها و فداکاری ها و دشمن براندازی ها را به حافظه ثبت داشته.

در هر کوی و برزن، همینکه ارادهٔ سپاهیان اسلام، به تعبیر ابوالمعانی: "به عزم رزم می بالید، مژگان کشودنی نمی کشید انتظار فتح"! این ملت سربلند با وجود تلخی های بیشماری که تجربه می کرد و نا به سامانی های بسیاری که متحمل می گردید، پیروزی ها از رکاب آنها بوسه می ربود و رزم و تلاش خستگی ناپذیر آنان، به وسیلهٔ جهانیان مورد تقدیر قرار می گرفت و فتوحات گسترده و چشمگیر این شه ضیغمان به عنوان رویدادهای بزرگ و مهم و افتخار آفرین، در اوراق تاریخ ثبت می گشت.

هرچند این فتوحات توأم بود با تلفاتی سنگین نیز!

به این معنی: پیشکش شدن یک و نیم میلیون الی دو میلیون شهید و آواره شدن پنج میلیون انسان و تقدیم ده ها هزار معلول، هدیهٔ بزرگی از سوی یک ملت کوچک، اما دارای ایمان بزرگ، به بارگاه آفریدگار جهان بود.

اعطای این گونه قربانی ها و فداکاری ها بود که مردم و وطن ما را از چنگ عفریت جهانخوار رهاند.

" لئونید برژنیف" رهبر شوروی (متوفی) در واپسین روزهای حضور نیروهایش در افغانستان مجبور شد تا متعاقب فیصلهٔ (۱۲۲) کشور عضو ملل متحد، مبنی بر خروج بدون قید و شرط ارتش سرخ از این کشور، طی یک سخنرانی درتاریخ (۲۴) عقرب سال ۱۳۶۴، در کنگرهٔ حزب کمونست اعلام بکند که: باید وضعیت نظامی خود را در افغانستان تغییر دهیم وگرنه بیست و یا سی سال دیگر به همین شکل بی سرنوشت در افغانستان بمانیم".

به همین نحو، موریس گروموف نیز در یک نطق رادیویی به سران کرملین ابلاغ کرده بود: "هرچه زودتر و بدون هیچگونه قید و شرطی از خاک این کشور (افغانستان) خارج شویم، به نفع ماست. زیرا جنگ در این کشور، پیروزی ندارد."

درست پس از آن که:

روزها در آسمان همچون تگرگ
در دیار ما فرو بارید مرگ

و یا متجاوزین روسی پس از ارتکاب جرایم و جنایات بیشمار و قتل عام ها وکشتن ها و بستن ها و افگندن بیگناهان به پولیگون ها و گورهای دسته جمعی و...، به تاریخ (۲۶) دلو ۱۳۶۷، یعنی پس از نه سال و پنجاه روز بدون هیچ نوع دستاورد، با کمال سرافگندگی و رسوایی، ازاین سرزمین فرار کرد.

و این در حالی بود که هیچ کشوری معتقد به خروج ارتش سرخ ازاین سرزمین نبود.

هرگاه این ملت پرغرور و سرفراز و با عظمت، همت به خرج نمی داد، در همان سال های نخستین دیوارهای ریگی همسایگان فرو ریخته بود و پای منحوس خرس های قطبی بسیار زود تا آب های گرام رسیده بود. ولی این مردم با شهامت ما بودند که به جهانیان ثابت ساختند، هرگاه برای امری اراده نمایند به یاری خدا، برای برآورده ساختن این مامول توفیق را رفیق شان می سازند.

بنا براین با سربلندی و افتخار بزرگ می توان افزود که، بیست و ششم دلو ۱۳۶۷ روز نجات ملی و جشن بزرگ ملت مجاهد و قهرمان پرور کشور ماست و آن روزیست که یک واقعهٔ مهم و بزرگ و تاریخی درآن به وقوع پیوسته است.

واقعه یی که سرنوشت تاریخ را عوض کرد و منجر به شکست قدرت پوشالی کمونیزم جهانی گردید.

۲۶ دلو، روزیست که یک قدرت بزرگ و اهریمنی به وسیلهٔ مجاهدان جان برکف افغانستان زمین گیر شد.

روز ۲۶ دلو روزیست که جنزال بوریس گروموف آخرین فرماندهٔ نظامی ارتش سرخ در واپسین لحظاتی که از پُل حیرتان عبور می کرد، از سر تأثر و اندوه عمیق گفت:

"در گرداب خطرناکی گرفتار شده بودیم، نجات ما شبیه یک معجزه بود"!

و افزود:

" دراین لحظات واپسین در وجود خود خلای بزرگی را احساس می کنم. زیرا، در جلو خود یک آیندهٔ گنگ، تاریک و در عقب خود یک گذشتهٔ میان تهی و برباد رفته را می بینم."

خجسته و گرامی باد پیروزی بزرگ و فتح مبین سالگرد ۲۶ دلو ۱۳۶۷ برای تمامی امت اسلامی و سلام مجدد و گرم خدمت تمامی مجاهدان جان برکف و شهیدان زنده یعنی معیوبین عزیز، که دراین نفیر عام اسلامی شرکت جستند و به نحوی در جهت تحقق اهداف والای جهاد برحق، ادای دین و مسؤولیت کردند و درود فراوان بر روان پاک شهدای راه اسلام.

۲۶ دلو ۱۳۵۸

نماد پیروزی مردم افغانستان در برابر اشغال گران



تکساری

کشورها از خود روزهای پر افتخار و جاویدان دارند و افغانستان مشمول چنین روزهای ماندگار و تاریخی است. کشورها نه تنها دارای روزهای تاریخی و به یاد ماندنی دارند؛ بلکه دارای عقب گردهای نیز می باشند. ۲۶ دلو از همان روزهایی است که افغانستان ثمرهٔ مبارزات جهاد و عدالت خواهی خود را به دست آورد. اتحاد شوروی اسبق با بیشتر از یکصد هزار عسکر مسلح و با تمام ساز و برگ مدرن نظامی در ۶ جدی ۱۳۵۸ به افغانستان یورش برد و این کشور را در اشغال خود در آورد. شهادت بالاتر از یک میلیون انسان مسلمان در سطح و مستوی جهان حماسه آفرید و سیستم شرق کمونیزم را در جهان سرنگون کرد و این شکست تجربهٔ تلخی است به تمام اشغال گران و حامیان داخلی آن، که در نتیجهٔ جهاد سراسری مقاومت گران، نظام کمونیستی شوروی به تاریخ پیوست.

اشغال اتحاد شوروی بر قلمرو افغانستان دشواری های زیادی را به وجود آورد، که نتیجه اش هم اکنون، افراط گرایی، خشونت، جنگ و تخریب یک سر زمین به نام جغرافیای افغانستان است. این اشغال زخم های ناسور در کشور ما به وجود آورد و جلو دولت ـ ملت مدرن را از افغانستان با موانع جدی رو به رو ساخت و در فرجام جلو تشکیل حکومت ملی را گرفت. ما از آن جهت اشغال و استبداد را محکوم می نماییم که نمی توانیم در پای دیوار آن به راحتی بخوابیم و زنده گی را از خوب به خوبتر تبدیل کنیم.

امروز افغانستان به یک آسیب شناسی جدید نیاز دارد و کمتر به چنین آسیب شناسی و عمق و پهنای آن پرداخته شده است. یک گروه کوچک زمینهٔ اشغال یک سرزمین را برای خارجیان فراهم ساخت و تمام فرهنگ اسلامی و زنده گی مسالمت آمیز را در افکار تب آلود خود به تجربه گرفت و افکار من در آوردی خود را که حتا به نفع خودشان نیز نبوده است، جا نشین تفکر و تمدن اسلامی نمود. این ها مواری است، که در آسیب شناسی افغانستان باید به آن پرداخته شود.

حزب دموکراتیک در افغانستان مانند یاسای چنگیزی عمل نمود، همان گونه که چنگیز قلمروی وسیع خود را به زور شمشیر، قتل و غارت اداره می نمود، این حزب بی برنامه و فاقد اندیشه های انسانی مانند یاسای چنگیزی آفت های بی شماری را در سرزمین ما به وجود آورد. طوریکه چنگیز آسیای میانه، سرزمین های شرقی و سرزمین های خراسان را به خاکستر تبدیل کرد و از کُشته پُشته ساخت، این حزب به چنین اعمالی دست یازید.

روز ۲۶ دلو ۱۳۵۸ در حقیقت نمادی پیروزی جهاد مردم افغانستان در برابر قشون سرخ اتحاد شوروی است و خروج این نیروها از افغانستان بزرگترین افتخار و پیروزی برای مردم ما است. ما این اشغال را از آن جهت محکوم می کنیم که این اشغال مصایب زیادی را برای مردم ما به همراه داشته است. جای دارد که از روز ۲۶ دلو ۵۸ به عنوان سمبول مبارزات مردم کشور گرامی داشت صورت گیرد، تا نسل جوان کشورما با یک چنین روحیهٔ وطن دوستی بزرگ گردند و تاریخ مبارزات مردم خود را مانند مردمک چشم احترام و پاسداری نمایند.

کشورها به افتخارات خود زنده اند و این افتخارات و تجلیل های تاریخی، در حقیقت ادامه و بهانهٔ برای زنده گی است. هر وقتی این بهانه ها در زنده گی ختم گردد، زنده گی از رونق و شکوه خود باز می ماند. جهاد، مقاومت و شمشیر کشیدن در برابر زور گویان، خود بهانهٔ برای یک زنده گی آبرو مندانه، مستقلانه و آزاد منشانه می باشد. اینُ روز نمادی پیروزی ما و سرزمین ما است. ما چنین روزهای تاریخی فراوان را در تقویم کشور خود داریم. بدون شک ۲۶ دلو یکنوع تداعی مبارزات مردم ما در برابر زورگویان خواهد بود، امید است این چنین روزهای تاریخی به فراموشی سپرده نشود و نسل جوان ما با روحیهٔ بلند وطندوستی تربیه گردند، تا از این سرزمین به خوبی پاسداری نمایند.

د سلواغې شپږویشتمه،

د مجاهدینو د بریالیتوب پېلامه

زهیر

د شلمې پېړۍ په وروستۍ څلورمه کې د پخوانۍ شوروي اتحاد د ښکېلاک پر خلاف، د افغان ولس تاریخي جهاد هغه مهال د بریالیتوب په درشل کې ودردید چې د روسي سوسیالیزم خونړۍ بلشویکي انقلاب نورو هیوادونو ته د غځولو د ادامې په توګه، افغانستان ته راغلي د شوروي اتحاد نږدې یو نیم لک پوځونه د څوارلس کلن جهاد وروسته د سلواغې په شپږویشتمه له ګران هیواد افغانستان څخه پداسې حال کې ووتل، چې د ماتې زنځېرونه یې په پښو کې راکښل او ټینکوته او شو بلې یې د آمو په سیند پورې وتلې.

د منځنۍ آسیا او څمونږ د قطبي ګاونډیو هیوادونو له ښکېلولو وروسته، چې کله د پخوانۍ شوروي اتحاد د کمونستي فلسفي لښکرې په ۱۳۵۸ لمریز کال د مرغومي په شپږمه نېټه زمونږ زمونږ هیواد ته راغلې او د ۱۳۵۷ لمریز کال د غویي د اومې نېټې د کودتاچیانو (خلقیانواو پرچمیانو) د ملاتړ په نیت یې پدې هیواد کې د افغانانو د مقاومت او سربښندنې بې مثاله کارنامې ولیدلې او ویې کتل چې ددې هیواد غریب (خو د ایمان په وسله سمبال) ولس د شلمې پېړۍ ددوه وو امپراتوریو څخه د وارساپکټ په مټ ستړې شوې کمونستي امپراتورۍ او د هغې د افغاني لاسپوڅي واکمن رژیم پر خلاف پیل کړی جهاد ورځ تر بلې د کامیابۍ په لور روان دی او ګوډاګی رژیم په افغان ولس کې خپل ملاتړ له لاسه ورکوي، نو د خپلې کمونستي مفکورې افغاني پېروان یې هېر کړل او د خپلو ځانونو د مرګ له کومې څخه د تښتولو تابیا یې ونېوله او د کمونستي رژیم د لړۍ وروستۍ کړۍ او وروستي هغه واکمن څخه یې وغوښتل چې ورڅخه د افغانستان څخه د وتلو غوښتنه وکړي کوم

چې د کمونستي انقلاب د پېل په کلونو کې د استخباراتو (خاد) د مسوول په توګه په زرګونو بې ګناه افغانان د مرګ کندو ته لېږلي وواو له محاکمې پرته یې له ژوند څخه محروم کړي وو. هغه قهرمان(؟) چې اوس یې ډېرې ناپوهه افغانان یا کمونستان د شهید(؟) په نوم یادوي؛ پداسې حال کې چې د طالبانو واک ته د رسیدلو پرمهال د یوڅو طالبانو لخوا د هغه په دارځړول هیڅکله هم د نومووړي هغه جرمونه او ګناه نشي بخښلی چې د زرګونو بې ګناه افغانانو په وژلو سره یې مرتکب شوي وو او د خاد د ریاست پرمهال یې زمونږ بې ګناه هیوادوال یوازې د خپل دین سره د تړاو له امله شهیدان کړي وو.

افغان ولس چې د کمونستي خونړي رژیم د ظلمونو مقابله په کوم همت سره وکړه، افغان میړنی ولس به یې کله هم، له خپلو حافظو څخه و نه باسي؛ او نه به یې نړیوال هېر کړي؛ د کمونستي رژیم بامبړانو پدې ولس د ظلم میچنې وګرځولې؛ هر هغه بادیانته افغان یې د ملا، مرتجع، اخواني، اشرار او اشراف زاده په نومونو یا د څرخي پله او یا د هیواد نورو زندانونو د توروتمبو ترشا وغورځول او بیا یې د شپې لخوا له زندانونو څخه له ویستلو وروسته شهیدانول او د پولیګون په ساحه کې به یې ښخول. او په ډېرو خو یې پداسې حال کې چې ژوندي به وو، تورې خاورې اړولې او په بېلدوزرونو به یې ښخول او هم یې د هیواد په ګوټ ګوټ کې ډېر بې ګناه افغانان د هوایي بمبارونو او ګڼ شپ هیلوکپټرونو په مرمیو او توپونو ووژل؛ شهیدان یې کړل او ځینې یې لکه د کنړ د (کرهالې) په پېښه کې سهار وختي مهال له خپلو کورونو څخه، پرته د ځوان، زوړ او کوچني له توپېر څخه، راوویشل او د کلاشینکوفونو په مرمیو یې سورې کړل؛ چې نن ددغو ډله ایزو وژنو قبرونه کله د کابل په چمتله کې راوځي او کله په بدخشان کې او کله د ننګرهار په هډې سیمه کې او کله هم د هیواد په نورو ولایتونو او ولسوالیو کې.

خو افغان ولس د خپل دین او هیواد څخه د دفاع پدې مبارزه کې تردې بریده ثبات وښوده چې آخر یې خپل کورونه پرېښودل، مهاجر شول او د هجرت د لیارې په نېولو سره یې د کمونستي رژیم پر خلاف د جګړې کولو او سپېڅلي جهاد پرېکړه وکړه، چې ورځ تر بلې دغه مقاومت غښتلی شو او د سرتاسری ملي پاڅون په پوله ودریده؛ د کنړ د اسمار، هرات او جلال اباد فرقو د خپلو مجاهدو ورونو سره د پېوستون په نیت وسلې پورته کړې او په همدې ترتیب د کابل د ښاریانو لخوا د کب په دریمه او د هرات د ښاریانو لخوا د کب په څلېرویشتمه د مقاومتونو هغه تاریخي پېښې رامینځته شوې چې یادول یې د افغان جهاد د کاروان د لارویانو لپاره ویاړ او د کمونستي پوچې فلسفې د پېروانو لپاره شرم دی چې په خپلو بې وسلو ولسونو کې یې هوایي بمبارۍ وکړې او هغه پوځي امکانات او وسایل یې استعمال کړل چې باید د ښکېلاګرو پر خلاف استعمال شوې واې، خو دغو تش په نامه د انسانیت دوستانو(؟) او له خپلو اسلامي او ملي ارزښتونو څخه باغي کمونستو جنرالانو او صاحب منصبانو به خپل ورونه په توپونو، مرمیو او ګولیو ویشتل.

د افغان میړنی ولس څخه یو نیم ملیون انسانانو د سربښندنې په دې تاریخي جهاد کې د شهادت جامونه وڅکل او دې ته ورته شمیره یې معلول او یا یتیمان او کونډې شول او نږدې اته ملیونه وګړي له هیواد څخه مهاجر شول؛ هیواد یې په کنډواله بدل شو او خپله ډېره معنوي او مادي پانګه یې له لاسه ورکړه. خو بالاخره د حق د لیارې لارویانو خپل جهاد د بریالیتوب پړاو ته ورسولو چې د سلواغې شپږویشتمه نېټه د همدغه ولس د ویاړ یوه ډکه ورځ ده، چې شوروي ښکېلاګر پوځونه به یې تل یاد ساتي او د هر هغه چا لپاره باید عبرت اوسي چې د یو غیرتي ولس دبې وزلۍ څخه ګټه پورته کوی او د ښکیلولو خوب یېویني.

ارواح دې د هغو شهیدانو ښاد اوسي چې خپل سرونه یې د کمونستي ښکېلاک پر خلاف مبارزه او جهاد کې قرباني کړي دي او د هغو مظلومو او بې ګناه افغانانو چې په مختلفو نومونو د کمونستي بامبړانو لخوا شهیدان شوي، ژوندي ښخ شوي او له محاکمې پرته له ژوند څخه محروم شوي دي (چې څو کلونه وړاندې د هالنډ هیواد د محکمې لخوا اعلان شوی پنځه زره کسیزه لست یې یوه نمونه او د امین د واکمنۍ وروسته اعلان شوي دولس زره کسیزه لست، اعلان یې بله هغه بیلګه وه چې که د کمونستانو ضمیرونه یې شرمولي دي) د هغو بادیانته پوهانو او نابغه شخصیتونو د تشې د ډکولو په هیله، چې افغاني کمونستانو ورڅخه دغه ولس محروم کړی دی او د جهاد د کاروان هغو ځینو بې همتو لارویانو د ضمیرونو د ویښیدو په هیله، چې واک ته د رسیدلو نشې ورڅخه خپل شهیدان او د هغوی ارمانونه هېر کړي او ارزښتونه یې پلورلي دي

مروری بر برخی حوادث مهم امنیتی

■ فیض

۲۱دلو:

* کمیته بین المللی صلیب سرخ در گزارشی گفته است، در سال ۲۰۱۴ میلادی تعدادی قربانیانی را که این کمیته از میدان های جنگ در افغانستان انتقال داده بود دو چند رقم بود که در سال ۲۰۱۳ توسط صلیب سرخ منتقل شده بودند. به گفتۀ این کمیته، در ۱۲ ماه سال گذشته میلادی ۱۳۷۲ جسد را انتقال داده بود که این رقم در سال ۲۰۱۳ میلادی ۶۲۰ جسد بود. ملل متحد می گوید، حد اقل ۳۲۰۰ غیر نظامی افغان در جریان جنگ های سال ۲۰۱۴ میان طالبان و نیروهای افغان کشته شدند که این سال مرگبار ترین سال برای غیرنظامیان در افغانستان بود.

* سه هراس افگن ماین گذار بر اثر انفجار ماین جاسازی شده خودشان در ولایت لوگر کشته شدند. وزارت امور داخله افغانستان با نشر خبرنامه ای گفته است که، این رویداد روز گذشته هنگامی به وقوع پیوست که این گروه سه نفری تروریستان ماین گذار مصروف جاسازی ماین کنار جاده در نزدیکی مسجد قلعه لالک ولسوالی بره کی برک ولایت لوگر بودند.

* ریاست امنیت ملی گفته که قوماندان عبدالروف یک مسوول گروه دولت اسلامی (داعش)، در افغانستان روز دوشنبۀ هفتۀ گذشته با پنج تن از افرادش در ولسوالی کجکی هلمند، کشته شد. دفتر مطبوعاتی این ریاست هم چنان گفته که عبدالروف مشهور به خادم یکی از اهداف نیروهای امنیتی افغان در یک ماه اخیر به شمار می رفت.

* در خبرنامۀ ریاست امنیت ملی معلومات مختصر در مورد عبدالروف خادم عضو اِسبق شورای کویته و مسوول گروه داعش در حوزۀ جنوب غرب افغانستان، چنین آمده است: ملاعبدالروف خادم فرزند عبدالقیوم باشنده اصلی و فعلی قریه آذان ولسوالی کجکی ولایت هلمند قوم علیزی که از یک پای معیوب بوده و در زمان جهاد عضویت تنظیم اتحاد اسلامی رهبری استاد سیاف فعالیت می نمود ، بعداً با گروه طالبان دستگیر و در محبس بگرام زندانی بود. بعد از رهایی نامبرده عضویت شورای رهبری کویته را کسب و همچنان مدتی بحیث والی نام نهاد ارزگان ،عضو کمیسیون استخبارات و مشاور خاص ملا عمر نیز فعالیت نموده بود. اخیراً مناسبات موصوف با رهبری گروه طالبان تیره گردیده و از سمت رهبری شورای کویته به حاشیه کشیده شد، اطلاعات بدست آمده نشان دهنده است که بعداًعبدالروف خادم در برج عقرب سال جاری از کویته پاکستان تحت پوشش پیروان مذهب جعفریه با پاسپورت و و یزه جعلی جهت ادای مناسک مذهبی و بازدید از کربلا ابتدا به ایران و از آنجا وارد عراق شده و با مسئولین داعش بازدیدو پی از کسب حمایت آنها وارد کویته گردید، بعداً با کمیت ۱۰۰ تن از افراد مربوط خویش جهت جلب و جذب قوماندانان گروه طالبان و با استفاده از مسیر بهرامچه ولسوالی دیشو هلمند وارد زادگاه اش(منطقه آذان ولسوالی کجکی) گردیده و فعالیت های تروریستی خویشرا به طرفداری از ان گروه در ولایات هلمند، فراه و یک تعداد از ولایات کشور آغاز و به ایجاد جبهات نیز مبادرت ورزید. دراین راستا توانسته بود حمایت بعضی از اقوام بخصوص قوم علیزی را نیز کسب نماید، وی اخیراً در آنجا با گروه سلفیان ولسوالی بکواه ولایت فراه روابط خود را تامین و حمایت آنان را نیز کسب نمود و منحیث مسول حوزه جنوب غرب داعش آغاز به فعالیت نمود که البته یکبار با مخالفت طالبان نیز مواجه گردید اما بعد از درگیری بین دو طرف اختلافات آنها به زودی مرفوع شد. قابل یاد آوریست نامبرده توانسته بود شمار زیادی از قوماندانان طالبان کجکی را باپرداخت مبلغ پنجاه هزار کلدار به هر قوماندان گروپی و (۳۰) هزار کلدار به هر عضو گروپ بجانبداری از خود و گروه داعش بکشاند.

* به قول رسانه ها، پنج مهاجم مسلح که می خواستند وارد ساختمان فرماندهی پولیس قندوز شوند از سوی پولیس از پای درآمدند. این مهاجمان قبل از وارد شدن به ساختمان این فرماندهی شناسایی و کشته شدند؛ اما یک تن از آنان موفق شد مواد انفجاری که با خودش حمل می کرد را انفجار دهد. سخنگوی فرماندهی پولیس قندوز گفته است که این حادثه ساعت ۱۰ قبل از ظهر امروز به وقوع پیوست. گفته شده در این رویداد یک پولیس زخم برداشته است.

نشست سه جانبه (افغانستان، پاکستان و چین)...

وزارت خارجه در خبر نامۀ گفته است:"مقام های سه کشور تعهد کردند تا در تأمین صلح در افغانستان و منطقه، همکاری دایمی داشته باشند." ممکن این تعهد و توافق با توجه به گستردگی بحران در منطقه خیلی یک گام ابتدایی باشد، اما نفس آغاز سفر، نشستن دور یک میز و رفتن به سوی آیندۀ بهتر، در پرتوی سیاست های صلح جویانه نوید خوب داشته باشد.

نشست سه جانبه در حالی در کابل برگزار گردید که رسانه ها خبر دادند که طالبان، هیئتی را چندی پیش به چین نیز فرستاده اند، تا با مقامات آن کشور گفتگو کنند. چین یکی از کشورهای پرقدرت دنیا در همسایه گی ما قرار دارد و از لحاظ رشد اقتصادی طی چند سال اخیر از دولت امریکا پیشی گرفته است. کارشناسان به این باور اند که این کشور همسایه با توجه به نزدیکی های دارند می تواند برای آوردن صلح در افغانستان بسیار سودمند واقع گردد.

روابط میان جمهوری چین و جمهوری اسلامی پاکستان از سالیان درازی به این سو بسیار دوستانه و گسترده است. چین با رقابت های که با هند همسایۀ دیگر پاکستان بر سر بزرگی و کلانی منطقه و اختلافات مرزی که دارد، از سال ها بدینسو در این کشور سرمایه گذاری نموده است. زیر ساخت های پاکستان مانند خط آهن، میترو پل، جاده های عمومی، سرمایه گذاری در سکتور معدن از نمونۀ همکاری های طرفین است.

با توجه به نقش و جایگاه چین در روابط با پاکستان این کشور می تواند کمک های گسترده را از طریق تشویق و ترغیب پاکستان در روند صلح به افغانستان انجام بدهد. از این جهت همایش نمایندگان سه کشور در کابل می تواند مایۀ امیدواری های زیادی برای مردم افغانستان که سال ها از جنگ و نا امنی خسته شده اند بوده باشد.

شکی نیست که پاکستان بر طالبان افغانستان نیز می تواند فشارهای لازم را وارد کند، تا روند گفتگو های صلح را با دولت افغانستان دنبال کنند. بحران نا امنی سال هاست که افغانستان و پاکستان را دستخوش چالش های فراوان نموده است. اگر دولتمردان کشورهای منطقه مصمم بر مهار این بحران نشوند، ممکن است دامنه های آن ابعاد تازه و پیچیده تری را با خود بگیرد.

از سوی هم بحران نا امنی در خاور میانه از کنترول دارد خارج می شود، چیزی که مستقیماً بر اوضاع افغانستان و پاکستان جنوب و جنوب شرق آسیا نیز تأثیرات منفی و پیامدهای ناگوار دارد. در این میان پاکستان سال هاست از سیاست های مسلح سازی و حمایت گروه های تُند رو و شورشی به عنوان مانیفست سیاست بیرونی خود حمایت کرده است. بحران خاور میانه و حملات تروریستی که در این کشور صورت گرفت، می تواند زنگ هشدار به پاکستان نیز بوده باشد، تا درس عبرت بگیرد و با رویکرد تازه در روابط خود با گروه های افراطی تجدید نظر نماید. پاکستان همانگونه که در تجهیز نیروهای افراطی نقش انکار ناپذیر دارد، می تواند در مهار نمودن آن ها نیز دست توانایی داشته باشد.

از سوی هم افغانستان با توجه به تغییراتی که در سکتور امنیتی ما طی ۱۳ سال گذشته آمده می تواند در برابر خطرات موجود مقابله نماید. نیروهای امنیتی ما اکنون با قوت تمام به تنهایی و بدون حمایت قوت های ائتلاف از تمامیت ارضی دفاع می کنند، و با مورال و انگیزۀ دفاع از وطن به تهدیدات دشمن پاسخ گو هستند. تجربه های اخیر نشان داده است، با وصف تلفات گسترده، انگیزۀ جنگیدن در برابر طالبان و سایر گروه های تروریستی در میان نیروهای امنیتی افزایش یافته است.

اکنون که این نشست انجام شد، مردم افغانستان توقع دارند، تا هر سه کشور در همکاری با هم بتوانند، این راه را ادامه بدهند و از طریق برگزاری های نشست های مشترک و کشاندن مخالفان بر پای میز مذاکره و دادن قناعت آتش جنگ را در منطقه به ویژه افغانستان خاموش بسازند.

نشست (تاپی) در اسلام آباد بدون نتیجه پایان یافت

■ اندیشه

نزدهمین نشست پروژۀ انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند که از راه افغانستان می‌گذرد در اسلام آباد برگزار گردید و بدون نتیجه پایان یافت.

به گزارش خبرنگار مجاهد، در این نشست وزیران نفت و گاز چهار کشور و نماینده‌های شرکت‌های اجرا کننده تا پایان روز چهارشنبۀ هفتۀ گذشته به هیچ نتیجۀ قطعی در بارۀ زمان آغاز پروژه و شرکت‌های عملی کننده پروژه نرسیدند. قرار بود در این نشست زمان آغاز پروژه و شرکت عملی کنندۀ آن مشخص شود؛ اما به علت وجود اختلاف‌ها میان ترکمنستان و شرکت‌های عملی کنندۀ پروژه، تکلیف پروژه روشن نشد.

هرچند عملی شدن این پروژه توسط کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های فرانسوی، چینی و روسی به رهبری شرکت توتال فرانسه پذیرفته شده است، اما ترکمنستان می‌خواهد این پروژه را از حوزۀ گازی دولت آباد تا مرز افغانستان خود عملی سازد در حالی که کنسرسیوم جهانی می‌گوید با اینکار این کنسرسیوم زیان می‌کند و اگر این چهار کشور خواهان عملی شدن این پروژه از سوی کنسرسیوم جهانی است، باید اجازه بدهد تا تمامی مراحل این پروژه از سوی این کنسرسیوم عملی شود.

پاکستان خواهان عملی شدن این پروژه از سوی یک کنسرسیوم جهانی است؛ زیرا این کشور هم از نگاه سیاسی و هم از نگاه فنی با کشورهای دیگر شامل در پروژه مانند افغانستان و هند مشکلاتی دارد.

شاهد خاقان عباسی وزیر معادن و نفت پاکستان اظهارداشت:"تعیین یک کنسرسیوم برای کشیدن خط لولۀ گاز ضروری است. برای این که این چهار کشور مشکلات سیاسی، تخنیکی و امنیتی خاص خود را دارند و یک شرکت مستقل نمی‌تواند این کار را انجام بدهد. زیرا این یک پروژۀ بسیار بزرگ است که در حدود ۱۰میلیارد دالر بالای آن سرمایه گذاری می شود، باید یک کنسرسیوم تشکیل شود که ما به دنبال آن هستیم"

افغانستان که با عملی شدن این پروژه بیشترین سود را خواهد برد، خواهان عملی شدن هرچه زودتر آن است. داوود شاه صبا وزیر معادن کشور در این نشست گفته است که تلاش می‌کند گفت‌وگوها به نتیجه برسند و کار عملی شدن این پروژه هرچه زودتر آغاز شود. افغانستان در وضعیتی است که در هر دو مرحله اجرایی این پروژه کمک می‌کند و با کشورهای خریدار گاز یعنی پاکستان و هند در عملی ساختن این پروژه آماده همکاری است. افغانستان نگران این است که این پروژه در زمان معین آن عملی نشود و با گذشت هر روز با مشکلات تازۀ روبرو شود. از سویی هم ترکمنستان می‌گوید که هرگاه کنسرسیوم جهانی خواستار عملی ساختن این پروژه در داخل ترکمنستان است و باید ۲۰ شرط این کشور را بپذیرد. در مورد شرایط ترکمنستان تا هنوز چیزی گفته نشده است. به گفتۀ وزیر معادن کشور به دنبال به نتیجه نرسیدن این نشست، قرار است بیستمین نشست (تاپی) به روز چهاردهم ماه می سال جاری میلادی در کابل برگزار شود.

خط لولۀ انتقال گاز موسوم به (تاپی) با ظرفیت انتقال ۳۳میلیارد متر مکعب گاز در سال و با درازیی در حدود یکهزارو ۸۰۰ کیلومتر از دولت آباد ترکمنستان آغاز و با گذشتن از ولایت قندهار و چمن به منطقۀ مرزی فاضلیکای پاکستان و پس از آن به هند خواهد رسید

قرار است در حدود ۱۰میلیارد دالر روی این پروژه سرمایه گذاری شود و افغانستان گذشته از خرید گاز ارزان از این پروژه به میزان ۳تریلیون مترمکعب گاز در ۳۰سال، سالانه در حدود ۴۰۰میلیون دالر از ترانزیت گاز نیز از این پروژه درآمد نماید.

د اوکراین او روسیه...

هر کال دا بر شوی دی؛ امریکا ددې کنفرانس له لیارې غواړي چې نړیوال له ځان سره د روسیې پر خلاف هراړخیزې کلابندی، او اوکراین ته د نظامي او دړنو وسلو ورکولو لورې ته وهڅوي خو په کنفرانس کې جوته شوه چې هغومره چې امریکا د خپلو لویدیځو نړیوالو څخه د مرستې طمع لري، د امریکا ملګري لویدیځ هیوادونه او په ځانګړي توګه فرانسه او المان دې ته تیار ندي؛ ځکه د نږدې یو کال راهیسې د کریمیا د جلا کېدو په سر چې په روسیه باندې کوم اقتصادي بندېزونه لګېدلي دي، د هغې بدې پایلې یوازې روسیې ندي لیدلي؛ بلکې د اوکراین په ګډون، فرانسې او المان باندې یې هم بد اغیز کړي دی؛ ځکه اوکراین چې د روسیې لپاره غذايي توکي او په ځانګړي توګه د اړتیا وړ غنم ورکوي، نو د اوکراین او اروپا ډیر لویدیځ هیوادونه. لکه فرانسه او المان هم د روسیې څخه د نفتو او ګازو اړتیا پوره کوي او دغې کلا بندی که د روسیې اقتصاد ته زیان رسولی؛ چې د نفتو او نورو سوند موادو بیې په بازار کې ټیټې شویدي، په اروپايي هیوادونو کې یې بیې لوړه شویدې ده، چې له همدې امله فرانسه او المان د روسیې پر خلاف د امریکا روانه سړه جګړه کې خپل زیان وینی او وایې چې پدې جګړه کې د امریکا او ددوې ګټې یو شان ندي. نو ځکه ددې پلویتوب نه کوي چې د اوکراین جګړه اوږده او د روسیې پر خلاف پراخه نظامي هڅې په کار واچول شي.

د مونیخ کنفرانس وروسته، په روسیه کې د المان، فرانسې او روسیې هیوادونو د مشرانو سرمشریزه دایره شوې. څو یو سوله ایز حل ددې شخړې لپاره پیدا کړي او د روسیې سره د فرانسې او المان وروستی همغږي، د امریکا او لویدیځ او ان تر دې چې د ناټو تړون لپاره یو ګواښ دی؛ ځکه که امریکا د المان او فرانسې هغه ملاتړ چې امریکا یې غواړي، حاصل نکړي نو لدې وروسته د ناټو د تړون آغیز هم کمیږي او کېدای شي دغه تړون نور بابیزه هم وګرځي.

د روسیې او امریکا تر مینځ د اوکراین په موضوع کې اختلاف ډیر استراتیژیک اهمیت هم لري؛ ځکه چې روسیه د اوکراین او په ځانګړي توګه د کریمیا له لیارې کولای شي بحري لیاره په آسانه او آزاده توګه استعمال کړي او خپلی بحري بیړی لدې لیارې په حرکت راولي او که دلته د امریکا د نفوذ لامله روسیې ته مخه ډب شي، نو بیا روسیه (لکه چې پوتین یې ادعاء کوي) د انزوا لورې ته ځي او یو داسې استراتیژیک موقعیت له لاسه ورکوي، چې په نظامي او اقتصادي ټولو ډګرونو کې ورته ډیر اهمیت لري. او له بلې خوا امریکا د خپلو لویدیځو ملګرو هیوادونو سره اړتیا لري چې د اوکراین په څیر هغه پراخ موقعیت لرونکی هیواد له ځانه سره ملګري ولري، چې د حاصل خېزو زمکو په لرلو سره، د اروپايي هیوادونو اړتیاوې پوره کولای شی؛ ځکه د سوسیالیزم د سقوط وروسته اوکراین یواځیني هغه هیواد دی چې پر خپل ځان متکی ګنل کیږي او هم د خپل استراتیژیک موقعیت لرلو پر بنیاد، په اروپا او ټوله روسیه حاکمیت ساتلی شي. نو لدې امله د اوکراین د ځمکنی بشپړتیا مسأله د اوکراین او امریکا لپاره بنیادي اړتیا ده. چې له همدې امله امریکا اوکراین ته څه د پاسه یو ملیارد ډالر مرسته ورکوي، څو یې د لویدیځې نړۍ د یو ملګري په توګه په سیمه کې وساتي.

نو که روان کړکیچ د هر هیواد (روسیې او امریکا څخه د یو) په ګټه پای ته ورسیږي، د بل لوري د سقوط یا انزوا پیلامه ګنل کیږي خو د فرانسې او المان مشرانو وروستی څرګندونې په ګوته کوي چې امریکا په نړیواله کچه نوره ځانته کیږي او سیمه ایزې همکاری په نړیواله همکاریو برلاسي مومي.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

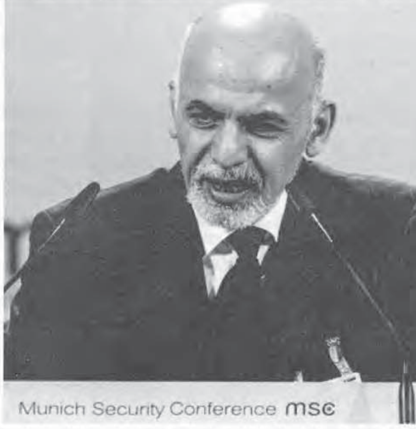
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۴۲ ۲۵ دلو ۱۳۹۳ ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۶ 14 February 2015

افغانستان در کنفرانس مونیخ



□ ابوبکر سبزوار

امسال نیز مانند هر سال، شهر مونشن در آلمان شاهد نشست بین المللی امنیتی بود که از ۶ الی ۹ فبروری دایر گردید. در کنفرانس امسال حدود ۴۰۰ نفر از سران کشورها، مقام‌های سیاسی و نظامی و کارشناسان مسایل امنیتی و نیز مدیرانی از شرکت‌های مختلف تولید کنندهٔ جنگ افزار از ۸۰ کشور حضور داشتند. ۲۰ رئیس جمهور و صدراعظم و ۷۰ وزیر خارجه و دفاع در میان این شرکت کنندگان این کنفرانس بودند.

کنفرانس مونیخ که از سال ۱۹۶۲ تا اکنون همه ساله دایر می گردد، یک مرجع تصمیم گیرنده نیست که در پایان کارش مصوبه ای را به تصویب برساند بلکه، این کنفرانس محلی برای تبادل نظر در مورد موضوعات مهمی است که با امنیت جهانی رابطه می گیرد. اهمیت این کنفرانس بیشتر به دلیل شرکت تعداد زیادی از مقامات مهم کشور هاست. معمولاً نشست های حاشیوی این کنفرانس که بصورت آشکار و یا پنهان صورت می گیرد، می تواند روی تصمیم های جهانی در مورد مسایل نظامی و امنیتی در سطح بین المللی تاثیر گذار باشد.

هرچند در ظاهر این کنفرانس گردهمایی بزرگی به منظور بحث روی امنیت جهان است اما حضور نمایندگان کمپنی های بزرگ اسلحه سازی این کنفرانس را مبدل به مجمعی برای تصامیم پنهان برای جنگ در جهان ساخته است. به همین دلیل همه ساله در زمان برگزاری این نشست، گروه های ضد جنگ در آلمان علیه آن تظاهرات برپا می نمایند. به همین دلیل گردانندە گان کنفرانس از چند سال بدینسو تلاش داشته اند تا با دعوت از نهادهای جامعهٔ مدنی و حقوق بشر، ظاهر مسالمت آمیزی به این کنفرانس بدهند و از مخالفت ها علیه آن بکاهند.

در کنفرانس امسال مونشن مشکل گروه دولت اسلامی در عراق و سوریه از مهمترین موضوعات مورد بحث بود. مقامات نظامی و سیاسی اکثر کشورهایی که در ائتلاف علیه گروه دولت اسلامی دست بدست هم داده اند در این کنفرانس حاضر بودند اما ترکیه بدلیل حضور اسرائیل، نماینده ای به این کنفرانس نفرستاده بود.

مسئلهٔ دیگری که ذهن غرب را بخود مشغول نموده، جنگ در اوکراین است که روز تا روز ابعاد گسترده تری می یابد. ناتو تصمیم دارد با توجه به همین چالش ها، حضور خود را در شرق اروپا گسترش دهد که این مسئله می تواند بیش از پیش به ایجاد حساسیت در کرملین بیافزاید.

مسئلهٔ دیگری که در این کنفرانس روی آن بحث صورت گرفت، مسئلهٔ اتومی ایران بود. ایران در این کنفرانس هیئت مذاکره کنندهٔ خود با گروه ۵+۱ را فرستاده است. جواد ظریف وزیر خارجهٔ ایران در حاشیهٔ این کنفرانس با جان کری وزیر خارجهٔ امریکا گفتگو نمود.

در کنفرانس امسال مونشن، مسئلهٔ افغانستان در اجندای بحث آن جایی نداشت هرچند رئیس جمهور افغانستان اشرف غنی در راس یک هیئت بالارتبه به این کنفرانس رفته بود اما به نظر می رسد که جامعهٔ جهانی جنگ افغانستان را پایان یافته تلقی می کند.

به همین دلیل، رئیس جمهور غنی تلاش نمود تا توجهٔ جهان را بار دیگر به چالش های موجود امنیتی در افغانستان جلب نماید. او بصورت تلویحی از پاکستان بعنوان مرکزی برای تمویل و تجهیز تروریسم در منطقه یاد کرد و بر لزوم مبارزهٔ مشترک با تروریسم تاکید ورزید.

وی در سخنرانی کوتاهی که در آخرین روز کنفرانس ایراد نمود به شرکت کنندگان هشدار داد که دهشت افگنی یک پدیدهٔ جهانی است و افغانستان همچنان قربانی دهشت افگنی در جهان است. اگر جهان این مسئله را فراموش کند و چشم به جای دیگری داشته باشد، جهان با عواقب ناگواری مواجه خواهد شد.

د اوکراین او روسیې شخړه او د مونیخ کنفرانس

□ رفیق بحر

د اوکراین هیواد، د پخواني شوروي اتحاد د رنګېدو په نتیجه کې د هغو نورو هیوادونو په څېر د خپلواکۍ لاسته راوړونکی یو هیواد دی چې د سوسیالیزم د ماتې په پایله کې یې د پخواني شوروي د وارثې (روسیې) پر ځای خپله مخ امریکا خواته ګرځولې ده او د خپل لرلي استراتیژیک موقعیت لامله د امریکا او روسیې ترمینځه د یوې بلې سرې جګړې سبب ګرځیدلی او کېدای شي دغه دواړه هیوادونه د تودې جګړې په پوله هم ودروي.

دوه درې کاله وړاندې چې کله د اوکراین لخوا د ناټو تړون ته د ننوتلو ارادې، په اوکراین کې دننه د کپټلیزم او سوسیالیزم د پلویانو تر مینځه کورنی کشمکش رامینځته کړ. نو پدغه هیواد کې ترسره شوې ټاکنې هم جنجالي شوې او په پایله کې یې د روسیې پیروي کوونکي ولسمشر واک (کوویچ) هغه مهال وګواښل شو چې کله یې د اروپا یې اتحاد سره د تګ پر ځای د روسیې سره په دوستۍ لرلو او استراتیژیکو تړونونو ترسره کولو ټینګار وکړ. نو هماغه وو چې د لویدیځ په ملاتړ او د امریکا په بربنډه لاسوهنه د نوموړي پر خلاف لاریونونو زور واخست او بالاخره دې ته یې اړ کړ چې روسیې ته وتښتي؛ چې دغه کار هغه روسي نژاد وګړي او روسیه دې ته وهڅوله چې د اوکراین څخه د کریمیا او ډونتسک په نوم آیالتونه (چې پدغو دواړو کې د روسیې نژادو قاطع اکثریت وو) جلا کړي او پدې ترتیب یو نوي بحران رامینځ ته کړي.

د بیلتون غوښتني دغه حرکت، چې کریمیا یې په بشپړه توګه له اوکراین څخه جلا کړي او پکې د اوکراین له ټاکنو وروسته ځانګړي ټاکنې هم ترسره شوي او جلا حاکمیت لري او د ډونتسک آیالت چې هم له نیمایي زیات وګړي یې د روسیې نژاد لرونکي او یا روسیه پلوي دي، پدې لټه کې دی چې د کریمیا په څېر. ډونتسک هم د اوکراین له ولکې څخه وباسي؛ چې په همدې لړ کې یې ځینې سیمې بیلتون خوښو د خپلې ولکې لاندې راوستي او په ځینو نورو کې یې لا جګړه روانه ده. چې په همدې بنیاد څلور میاشې وړاندې، ددې شخړې د حل کولو په نیت په سپینه روسیه کې یو تړون لاسلیک شو، چې له مخې یې باید هر لوری د جګړې له پولې څخه خپلې درنې وسلې تر پنځلس کیلو مترو پورې په شا کړي او اوربند باید رامینځته شوی واې.

مګر د اوربند د پریکړې سره سره هم. په ډونتسک او لوګانس کې د بېلتون هڅې او جګړې روانې دی؛ امریکا او لویدیځ روسیه تورنوي چې د امدادي توکو د لاریو په په نامه یې درنې وسلې دغو سیمو ته رسولي دي او له بېلتون خوښو سره یوځای، روسي عسکر هم جګړه کې برخه اخلي. چې ځینو رسنیو څو میاشتې وړاندې ددغو روسیې لاریو انځورونه خپاره کړي وو او امریکا ددې ویره لري چې ښایي د اوکراین نوري سیمې هم د کریمیا په مسیر اخته شي. نو ځکه د لویدیځو هیوادونو څخه غوارې چې د اقتصادي کلا بندۍ تر څنګه (چې له څو میاشتو په روسیه باندې لږیدلي دي) د اوکراین سره د نظامي تجهیزاتو مرسته وکړي، څو د روسیې په ملاتړ د بیلتون غوښتني د حرکت مخه ونیسي. چې د مونیخ په کنفر انس کې د اوکراین موضوع د ایجنډا په سر کې نېول، د همدې لړۍ یوه کړۍ ده.

د مونیخ کنفرانس، چې د ۱۹۶۳ کال راهیسې یې بنیاد ایښودل شوی دی او د نړۍ د امنیت د ساتلو په نیت هر کال یو ځای دایرېږي او ګډونوالو کې یې د ناټو غړو هیوادونو سربېره د نړۍ ټول مهم هیوادونه ګډون کوي، تر دا مهاله. له ۱۹۹۳ او ۱۹۹۷ م کلونو پرته

۷مخ

نشست سه جانبه (افغانستان، پاکستان و چین) امیدواری برای روند صلح

□ عنایت

روز دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته، نشست سه جانبهٔ نمایندگان سه کشور (افغانستان، چین، پاکستان) در کابل برگزار شد. در این نشست تلاش صورت گرفت، تا در کنار مسایل امنیت و اقتصاد منطقه برای از سرگیری مجدد گفتگوهای صلح بحث و فحص صورت گیرد. از سوی هم در مورد نشست سه جانبه چیزی خیلی مهم از سوی نمایندگان سه کشور به رسانه ها گفته نشد و حد اقل منی که به مسایل سیاسی سر و کار دارم نفهمیدم که این سه کشور در این نشست سر چه مسایل مهم به توافق رسیده باشند و پای چه سندی امضا کرده باشند؟



اما قرائن نشان می دهد، گفتگوهای صلح و نقش کشور پاکستان در همکاری با چین متحد قوی این کشور می تواند پاکستان را در زمینه صلح افغانستان تشویق کند.

ص۷